

از روز دوم کنفرانس، همه منتظر میزگرد به مناسبت "سال جهانی زندانیان سیاسی" بودند. این برنامه برای بعد از ظهر و بمدت ۴ ساعت پیش بینی شده بود. خاطرات تکاندننده زنان زندانی جمهوری اسلامی، آن سکوت و دقتی را بر کنفرانس حاکم ساخت، که همگان انتظارش را داشتند. از میان این خاطرات تلخ، خاطرات "شکوفه" که ۹ ماه از دوران زندان خود را در کمد شکنجه، گذرانده بود بیش از دیگر خاطرات همگان را متاثر و ملتهب کرد. [این همان تابوتی است که بیش از یکسال، منوچهر بهزادی دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران را در آن نگهداشتند و پس از آنکه او را به سلول بازگرداندند برای مدت‌ها بینانی چشم و قدرت تشخیص و حافظه خود را از دست داده بود!]

شکوفه، در طول بازگونی خاطراتش، بارها از حاضران در جلسه که به احترام او دست می‌زدند، خواست تا از دست زدن خودداری کرده و از او قهرمان نسازند، بلکه تنها به حرف‌ها و یادمانده‌هایش گوش بدهند. شرح صادقانه شکوفه از تضادهای درونی‌اش، در طول مدت محبوس بودن در جعبه ۶۰ از ۶۰ از او چهره‌ای فراموش نشدنی برجای گذاشت. در این جعبه [کمد شکنجه] زندانی نه اجازه داشت و نه می‌توانست بخوابد و یا بایستد. او از تواب‌های زندان سخن گفت و اینکه آنها را درک می‌کند و می‌داند که چگونه درهم شکسته شدند و به همین دلیل با آنها همدردی می‌کند. شکوفه گفت، که درباره زندانیان سیاسی جمهوری اسلامی نباید با عجله قضاوت کرد، چرا که شرایط خاص و هولناک زندان، خیلی‌ها را تا آنجا پیش برده بود که یه انسان بودن خود شک کرده بودند و تردید داشتند که هنوز زنده‌اند!

پس از شکوفه، نوبت به راضیه خانم، مبارز ۷۰ ساله‌ای رسید، که زندانی شاه و جمهوری اسلامی بوده‌است. راضیه خانم، که آذربایجانی‌است، گاه با طنزهای دلنشینی که در سخنرانی‌اش به کار می‌برد، به کنفرانس حال و هوای دیگری بخشید. او در تمام مدت سخنرانی‌اش، بر این نکته تاکید کرد که همه زنان، در زن بودن و از آن مهتر انسان بودن مشترکاتی دارند که برخاسته از خواست‌های مشترک همه آنها و همه بشریت است و باید برای دست یافتن به آن، در کنار هم مبارزه کنند. راضیه خانم گفت: از اینکه صدها نفر بسا اعتقادات سیاسی-مذهبی متفاوت در کنفرانس شرکت کرده‌اند تا در مورد مسائل مشترکشان بحث و تبادل نظر کنند خوشحالم. او از تجربیات چند دهه مبارزه‌اش در راه آزادی سخن گفت و از تفرقه نیروها، بعنوان ضعف جنبش آزادیخواهی و مساوات‌طلبی در ایران یاد کرد. او گفت که اتحاد همه نیروهای مترقی که اختلاف ایدئولوژیک دارند، ولی در نهایت می‌توانند در کنار هم برای حقوق انسانی مبارزه کنند، نه تنها یگانه راه حل جنبش عمومی مردم، بلکه جنبش زنان ایران برای رسیدن به برابری حقوق اجتماعی نیز هست. سادگی، صداقت کلام، موی سفید و تجربه چند دهه مبارزه اجتماعی راضیه خانم همگان را تحت تاثیر قرار داد.

او چند بار و با خطاب "دوستان" تاکید کرد «دوستان! مشکل زنان ما تنها حجاب نیست، برابری جنسی را جانشین برابری در حقوق اجتماعی و مبارزه همگانی برای دست یابی به این حقوق نکنیم. من میدانم که ستم اجتماعی به زنان در ایران بسیار عمیق‌تر و پیچیده‌تر از این حرف‌هاست و به همین دلیل نباید به خودمان اجازه بدهیم که سرگرم مسائل روبرنایی مثل حجاب بشویم. ۸۰ درصد زنان ایران پیش از انقلاب هم چادر سرشان می‌کردند و حالا هم می‌کنند، در حالیکه ستم اجتماعی هم پیش از انقلاب بوده و هم حالا هست.»

راضیه خانم خاطراتی را از دوران زندان خود در بند زندانیان عادی و مشکلات اجتماعی زنان زندانی در این بندها تعریف کرد. خانمی بنام اعظم نیز در همین زمینه و از خاطراتش درباره زندانیان عادی، اطلاعات قابل توجهی را در اختیار شرکت‌کنندگان در کنفرانس گذاشت. آنها با مرور خاطرات خودشان از زندانیان عادی بر این نکته تاکید کردند که این ارتباط نزدیک به آنها امکان داد تا به عمق فاجعه نابرابری اجتماعی و ستمی که در طول سالیان دراز بر زنان و مردم ایران رفته، آشنا شوند. راضیه خانم در سخنان خود تاکید کرد، که فقر اقتصادی و فقر فرهنگی حلقه‌های ناگسستنی هستند و ما بجای سرو کله زدن با یکدیگر بر سر اختلاف دیدگاه‌ها و نظرگاه‌های ایدئولوژیک باید تمام توان و نیروهای خودمان را صرف مبارزه‌ای طولانی برای از میان برداشتن این دو فقر در جامعه کنیم. همین نظرات را خانم اعظم نیز در سخنرانی خودش بیان کرد. تشویق طولانی حاضران در جلسه، در پایان این دو سخنرانی خود نشان دهنده استقبال بود که از نظرات بیان شده آنها شد. مانند دیگران، چنان غرق دو سخنرانی راضیه خانم و اعظم خانم شده بودم، که از پشت سرم غافل مانده بودم. وقتی ابراز احساسات شروع شد به عقب بازگشتم، سالن کاملاً پر بود، حتی در راهروها و پله‌های مابین ردیف‌های صندلی‌ها نیز جا برای نشستن نبود!

هشتمین کنفرانس بین المللی سالانه "بنیاد پژوهش‌های زنان ایران" از ۱۸ تا ۲۰ ماه ژوئیه در فرانسه تشکیل شد. موضوع این کنفرانس "فمینیسم و جنبش زنان ایران" بود. گزارشی در باره یکی از همکاران "راه توده" که در این کنفرانس شرکت داشته، برای چاپ ارسال داشته‌است.

در جستجوی پیوند با جنبش زنان در داخل کشور!

گزارش: پ. آذر

تهیه گزارشی از سه روز پرنشاط، که سخنرانی‌های گوناگون و بحث‌های حاشیه‌ای مربوط به آنها سرگیزه همگانی را موجب شده بود، طبعاً کار دشواری است. موضوع برخی از سخنرانی‌ها تکراری بود؛ بارها در این سال‌هایی که جنبش زنان در ایران و در مهاجرت اشکال جدی تری به خود گرفته، در این و یا آن کنفرانس وبه این و یا آن مناسبت از زبان و قلم این و یا آن پژوهشگر عنوان شده‌است. و باز طبق معمول این سال‌ها، جالب‌ترین بخش کنفرانس، سخنرانی و اطلاعاتی بود، که از جانب میهمانان از داخل کشور شرکت کرده در کنفرانس مطرح شد. سخنرانی این میهمانان و خاطرات زندان چند تن از زنان شرکت‌کننده در کنفرانس، مجموعاً همه توجه‌ها را به خود جلب کرده بود. از جمله سخنرانی‌های ساده و دلنشینی که در این کنفرانس ایراد شد، سخنرانی یکی از سالمندان جنبش زنان کشورمان "راضیه" خانم بود. ضمن آنکه نکاتی را از سخنرانی‌ها برایتان می‌نویسم، در نوشته‌ام تلاش کرده‌ام حال و هوای کنفرانس را برایتان تشریح کنم. حال و هوایی که عمدتاً تحت تاثیر واقعیتی بود که درباره اوضاع امروز ایران مطرح شد.

در کنفرانس سه روزه پاریس همه چیز و همه کس برایم جالب بود. سالی که برای ۳۰۰ نفر کاملاً جا داشت، مرتب پر و خالی می‌شد و به همین دلیل هم علیرغم تلاش مکرر گردانندگان کنفرانس، نظم و سکوتی که لازمه چنین کنفرانس‌هایی است هرگز، برقرار نشد! در دل کنفرانس، گروه گروه برای خودشان کنفرانس‌های خصوصی و کوچک هم ترتیب داده بودند. گاه بحث و جدل‌ها، در این گروه‌های کوچک جالب‌تر از مطالبی بود، که طبق برنامه از پیش اعلام شده دنبال می‌شد. با آنکه خواست‌ها، دیدگاه‌ها و اندوخته‌های ذهنی شرکت‌کنندگان در کنفرانس و بویژه اطلاعات کم و زیاد حاضران درباره ایران، خود به خود کنفرانس را می‌توانست به چند کنفرانس کوچکتر تقسیم کند، گرچه از همان نخستین ساعات کار کنفرانس و با نخستین اقدام اداره‌کنندگان جلسه، آنان خود به این تقسیم‌بندی و بحث‌های ادامه دار، دامن زدند.

اعتراض‌ها با معرفی خانم "مهرانگیز دولت‌شاهی"، بعنوان بانوی برگزیده سال و سپس اهدای لوح سپاس به وی شروع شد. عده‌ای با اعتراض سالن را ترک کردند و دلیلشان هم این بود که بنیاد قرار بود بی‌طرف باشد و گرایش سیاسی خاصی نداشته باشد، در حالیکه خانم دولت‌شاهی از وابستگان رژیم گذشته و مدافع آن رژیم است. این بحث‌ها آنقدر بالا گرفت که سرانجام خانم دولت‌شاهی، بعد از یکساعت جلسه را ترک کرد. با خروج او از سالن، کنفرانس به کار خود ادامه داد، گرچه در تمام طول سه روز کنفرانس، بحث‌های مربوط به این ماجرا در راهروها ادامه یافت. با خروج خانم دولت‌شاهی، شعرخوانی "عاطفه گرگین"، همسر خسروگلرخی و سپس نمایش فیلم "تهران، سال صفر"، نمایش فیلم تظاهرات زنان ایران علیه حجاب در بهمن و اسفند سال ۵۷ حال و هوای کنفرانس کمی مناسب‌تر شد. بحث مربوط به "زنان میان برابری و آزادی" از سوی ژنویوفرس از فرانسه، و "بنیادگرایی در الجزایر" از سوی مالیکازویا از الجزایر تا آرامش و نظم پیش رفت و حاضران احترام میهمانان را نگهداشتند!

بازگردم. او بعنوان یک مثال و در پاسخ به سؤال مربوط به حذف یک فصل از یک کتاب گفت: "ما باید گاهی بین انتشار یک کتاب بدون فصل و یا منتشر نشدن اصل کتاب، یکی را انتخاب کنیم. در این موارد ما شرط اول را انتخاب می‌کنیم! درباره ملاحظه کارشدن نیز خانم لاهیجی با توجه به سن و سال میانه‌ای که دارد، پاسخ داد: "شاید این میانه زوی بخاطر سن و سال من باشد." این پاسخ با خنده بلند حاضرین استقبال شد.

پس از پایان سخنرانی خانم لاهیجی، تا آخرین ساعات و لحظاتی که کنفرانس ادامه داشت، بحث راجع به جنبش زنان ایران و بالاخره اوضاع ایران در هر گوشه و کناری ادامه یافت و همانطور که انتظار می‌رفت نتایج انتخابات اخیر ریاست جمهوری نیز به آن اضافه شد! در تمام طول راه بازگشت از فرانسه به آلمان نیز این بحث در گروه‌های ده نفره، سه نفره و چهار نفره ادامه یافت و بعد هم از دوستان ساکن شهر کلن آلمان شنیدم که بحث، بویژه در ارتباط به تحریم انتخابات از سوی اپوزیسیون مهاجر و شرکت ۳۰ میلیون نفر در داخل کشور در انتخابات ریاست جمهوری، همچنان ادامه یافته است.

اگر بخواهم ارزیابی خود را بنویسم، در درجه نخست اینست، که مهاجرین بتدریج به نادقیق بودن اطلاع خودشان از اوضاع ایران پی می‌برند. سخنرانی خانم لاهیجی بحث‌ها را پیرامون اوضاع ایران دامن زد، اما ادامه بحث‌ها نشان داد که انتخابات ریاست جمهوری بزرگ‌ترین ضربه را به اپوزیسیون خارج از کشور وارد کرده است. این واقعیات در خلال همه بحث‌ها مطرح بود.

توضیح دریافتی، پیرامون پرسش و پاسخ برلین!

دنبال انتشار گزارش جلسه پرسش و پاسخ ۳۰ تیر ماه دو تن از اعضای رهبری سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت - در شهر برلین (فوخ نگهدار و مجتبی) توضیحی از سوی مهدی ابراهیم زاده (مجتبی) در اختیار "راه توده" قرار گرفته است. وی در توضیح خود می‌نویسد: «... در آن مطلب تعداد زیادی نقل قول از من نقل شده که یا اساسا جعلی است و یا کاملا مغرضانه تحریف شده اند... حزب توده ایران در سال‌های پس از انقلاب خصائل آموختنی و خصائل دور ریختنی از خود بروز داده است و سؤال اینست که چرا این نشریه راه توده تا این حد می‌کوشد از وجه منفی این خصائل بهره گیرد؟ در سمت خیر برای شما آرزوی موفقیت دارم»

راه توده با پایبندی به عرف مطبوعاتی (که متأسفانه در مهاجرت نیز مانند داخل کشور بدان بهای لازم داده نمی‌شود)، توضیح آقای ابراهیم زاده را منتشر ساخته و می‌افزاید:

۱- گزارش مربوط به جلسه مورد بحث، از سوی دو گزارشگر حاضر در جلسه با مضمونی مشابه در اختیار راه توده قرار گرفته است و هر دو گزارشگر، در تماس دوباره‌ای که با آنها گرفته شد، مضمون آنرا یکبار دیگر تائید کردند.

۲- راه توده امیدوار است، مشروح این پرسش و پاسخ، که در ارتباط با مواضع سازمان در تحریم انتخابات ریاست جمهوری بوده، در نشریه ارگان مرکزی سازمان "کار" منتشر شود، تا از هیچ طرف، سوء تفاهمی شکل نگیرد.

۳- راه توده، برخلاف نشریه "کار"، که بنا بر مصالحی، که بر ما معلوم نیست، پیوسته سعی در چشم بستن بر دیدگاه‌های "راه توده" و تحقق تحلیل‌های آن از جامعه کنونی ایران - بویژه در ارتباط با دو انتخابات مجلس پنجم و ریاست جمهوری - دارد، آمادگی خود را برای انتشار مشروح سخنان و پاسخ‌های آقای ابراهیم زاده در جلسه ۳۰ تیر برلین، اعلام داشته و از ایشان می‌خواهد که در صورت ارسال مطلب مورد نظر، نوار این جلسه را نیز برای ما ارسال دارند.

از آنجا که ما نمی‌دانیم کدام خصائل حزب توده ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب دور ریختنی بوده، که لابد امثال آقای ابراهیم زاده از آن فاصله گرفته‌اند، برای ایشان و همه همفکرانشان نه امید "خیر" و یا "برکت"، بلکه امید پایداری بر آرمان‌های واقعی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت - و تلاش برای آموختن از همان خصائل را داریم که ایشان از آن‌ها بعنوان خصائل مثبت یاد کرده‌اند!

پس از پایان دو سخنرانی یاد شده، چهار بند برای گنجاندن در قطعنامه کنفرانس پیشنهاد شد ۱- لغو اعدام، ۲- آزادی زندانیان سیاسی، که دوران محکومیتشان پایان یافته، ۳- ضرورت برخورداری متهمین از وکیل مدافع، ۴- احترام به حقوق بشر و لغو شکنجه.

بعد از ظهر یکشنبه نیز، که نوبت سخنرانی خانم شهلا لاهیجی بود، در سالن جا برای سوزن انداختن هم نبود. گنجایش سالن برای نشسته و ایستاده ۵۰۰ نفر تخمین زده می‌شد. از راهروها نیز امکان عبور وجود نداشت زیرا جمعیت ایستاده بود. خانم شهلا لاهیجی، که در تهران یک موسسه نشر کتاب دارد، از ایران در کنفرانس شرکت کرده بود. در تمام طول سه روز کنفرانس او با مانتو و روسری، یعنی همان لباس معمولی که در ایران به تن دارد، در کنفرانس شرکت داشت. او نخستین زن ناشر ایرانی است که در سال ۶۲ و بدنبال پورش به همه احزاب و سازمان‌های سیاسی، همراه چندتن از دوستانش انتشارات "روشنگران" را در تهران تاسیس کرد و پس از چندی مستقلا به کار نشر پرداخت. او در سال ۷۵ موفق شد مجوز ایجاد مرکز مطالعات زنان را در جوار کارهای انتشاراتی‌اش بگیرد.

خانم لاهیجی سخنرانی‌اش را با آن شیوانی شروع کرد، که از موسس یک انتشاراتی و مرکز مطالعات انتظار می‌رود. نگاهی گذرا به تاریخ ایران و در واقع به هزاره‌ها، زمینه ساز ورود او به بافت پیچیده مذهبی-اجتماعی در ایران امروز بود، که از حق نباید گذشت، از پس از این امر مهم بخوبی برآمد. او سپس از تجربه‌های شخصی‌اش گفت و اینکه بیسوادی عمومی فرهنگی-اجتماعی جامعه ایران چگونه او را تکان داده است و اینکه از سال‌ها پیش ابعاد هولناک ستم فرهنگی را که به زنان ایران روا می‌شده و می‌شود چگونه با تمام وجود درک کرده است. او سپس با کمک گرفتن از علم جامعه‌شناختی گفت که اثرات این جهل و ناآگاهی اجتماعی به شکل فحشاء، اعتیاد و عدم شناخت حق و حقوق انسانی بوضوح در جامعه ایران مشاهده می‌شود. او تاکید کرد که عمق فاجعه بسیار پیچیده‌تر از مشکلات روبنایی، مانند حجاب و نابرابر جنسی است. خانم لاهیجی با یاری گرفتن از آمار و ارقام میزان بیسوادی در ایران و عقب مانده نگه داشته شدن ایران گفت، که مبارزه علیه ستم را از جای دیگری باید شروع کرد و گام اول هر مبارزه‌ای، با لایردن سطح شعور اجتماعی است و آشنا ساختن مردم با حقوقشان. او گفت:

«۱۴ سال من تنها بودم، اما امروز بیش از ۱۰۰ ناشر زن در ایران فعالیت می‌کنند. نشر کتاب برای بسیاری از این زنان ناشر یک حرفه است که از طریق آن ارتزاق می‌کنند. امروز در ایران، زنان بسیاری بدون در نظر گرفتن اعتقادات مذهبی و یا غیر مذهبی شان به میدان مبارزه برای احقاق حقوق اجتماعی پای گذاشته‌اند و این نشان دهنده رشد آگاهی و شعور اجتماعی زنان ماست.»

خانم لاهیجی از همه شرکت کنندگان در کنفرانس دعوت کرد تا با نگاهی نو و عمیق به حرکت‌های نوین اجتماعی زنان در ایران نگاه کنند و جنبش زنان را صرفا بدلیل اعتقادات مذهبی یا غیر مذهبی از کل جنبش زنان جهان جدا نکنند. خانم لاهیجی در پایان سخنرانی‌اش، ضمن تشکر از وقتی که در اختیار او برای سخنرانی گذاشته شده بود، از همگان خواست تا با کنار گذاشتن اختلافات ایدئولوژیک با مبارزات مردم علیه فقر اقتصادی و فرهنگی همگام شوند.

سخنرانی خانم لاهیجی در واقع یک زنگ اختطار بلند برای همه شرکت کنندگان در کنفرانس بود. بیش از پنج دقیقه برای او دست زدند. دید او نسبت به اوضاع ایران و شیوانی و صداقتی که در کلامش بود، همگان را سراپا گوش کرده بود. دیدگاه نو او و آمار و ارقامی که از جامعه زنان ایران ارائه داد، همه حاضران در کنفرانس را به فکر فرو برده بود. برای نخستین بار در اینگونه کنفرانس‌ها و مجامع مطالبی با جسارت مطرح می‌شد، که شاید باور کردن آنها هنوز هم برای برخی‌ها دشوار باشد!

در ادامه سخنرانی خانم لاهیجی، پرسش و پاسخ کوتاهی با وی انجام شد. برخی سؤالات که اغلب تحت تاثیر چپ روی‌های خارج از کشور است و بی ارتباط با مبارزه لحظه به لحظه و متأثر از شرایط روز مردم در داخل کشور، مطرح شد. سرانجام با اعتراض بسیاری از حاضران در جلسه روبرو شد. برای آشنائی بیشتر با میزان اطلاع کنندگان از اوضاع داخل کشور و درک آنها از مبارزه دشوار مردم، برخی از این سؤالات را برایشان می‌نویسم. سؤالاتی با این مضامین که "شما چطور در آن روزهای سخت و خفقان موفق شدید یک انتشاراتی باز کنید؟" و یا "در فلان کتاب متعلق به نشر روشنگران متوجه شده‌ایم که یک فصل کامل کتاب حذف شده و به این ترتیب چگونه می‌توان به کتابهای این نشر اعتماد کرد؟" و یا اینکه "با بالا رفتن شعور اجتماعی از شور انقلابی کم نمی‌شود؟" و یا "آیا فکر نمی‌کنید که روش‌های پیشنهادی شما محافظه کارانه و میانه روی باشد و در نتیجه کار به سازشکاری بکشد؟"

خانم لاهیجی که خیلی سریع بیگانه بودن این سؤالات را با اوضاع ایران درک کرده بود، اغلب با لبخند پاسخی کوتاه به سؤال کنندگان می‌داد و بارها تاکید کرد، که من می‌خواهم به همان صحنه اصلی که ایران باشد